

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مرحوم محقق اصفهانی (اعلي الله مقامه الشریف) در کتاب نهاية الدرايه (جلد سوم صفحه 235) برای اینکه حجیت خبر و احد را از آیه شریفه نفر استفاده کنند سه راه را بیان فرمودند، و از میان این سه راه نسبت به راه سوم مناقشه ي وارد نمودند و عمدتاً بر راه اول و دوم اعتماد کردند. عنواني را که ایشان در راه اول و دوم دنبال او هستند مي فرمایند: ما باید به يك نحوي اثبات کنیم که انذار مندرين حجیت دارد. اگر اثبات کردیم انذاري را که منذر انجام مي دهد حجیت دارد، همین مقدار برای مدعا کافی است. در بیان اول: مي فرمایند این «لعلهم يحذرون» همانطوري که قبلاً بیان کردیم – لعل يدل علي الشك و الاحتمال – آن معنای را که مشهور برای لعل کرده اند (دلالت بر محبوبیت مدخول خودش دارد) فرمودند موضوع له اش این نیست، بلکه موضوع له لعل همین احتمال است، لعلهم يحذرون يعني به احتمال این که بترسند. مي فرمایند: احتمال حذر در جایی است که انذار حجیت داشته باشد؛ برای اینکه اگر انذار حجیت نداشت، اگر منذر انذار کرد و ما فرض را بر این قرار بدهیم که این انذار حجیت ندارد، اینجا وجهي وجود ندارد برای حذر؛ اینجا اگر منذر انذار کرد اگر ما احتمال بدهیم بعد از اینکه مي گوییم حجیت ندارد، احتمال مي دهیم که آیا در مخالفت با این منذر عقاب در کار است یا عقاب در کار نیست، قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری مي شود. اگر گفتیم انذار حجیت دارد خود انذار مي شود بیان. عقاب، عقاب بلا بیان نمی شود. اما اگر فرض کردیم که این عقاب این انذار حجیت ندارد اینجا شارع اگر بخواهد مکلف را بر مخالفت با این انذار عقاب کند از قبیل عقاب بلا بیان مي شود. پس احتمال حذر خودش کاشف از حجیت انذار است؛ این حذر را مرحوم اصفهانی حذر از عقاب معنا مي کند، يعني احتمال این که بگوییم این تحذر پیدا کند از عقاب اخروي، احتمال حذر احتمال حذر از عقاب است. پس معلوم مي شود انذار منذر حجیت دارد چون اگر حجیت نداشت اینجا وجهي برای عقاب نیست و مي شود از موارد عقاب بلا بیان. این بیان اول، طبق این بیان اول انذار حجیت دارد.

بیان دوم:

انذار متقوم بر تخويف است، انذار که در مقابل تبشیر است، انذار مقومش این است که يك حرفي بزند که دیگری در خوف قرار بگیرد. مي فرمایند حالایی که انذار متقوم به تخويف است و بدون تخويف انذار صدق نمی کند، این معنایش این است که پس انذار حجیت دارد؛ چون اگر انذار حجیت نداشته باشد تخويف نیست . اگر تخويف نباشد انذار نیست، اگر انذار باشد باید تخويف باشد ، اگر تخويف باشد باید انذار حجت باشد. پس بیان دومشان این است که معنا و حقیقت انذار متقوم بر تخويف است و تخويف در جایی است که انذار حجیت داشته باشد. و مي فرمایند اگر ما گفتیم انذار حجیت دارد همین کافی است! کافی است برای اینکه ما بگوییم خبر واحد حجت. وقتی منذر مي آید بعنوان انه منذر حرفي را مي زند، آیه مي فرماید این انذار حجت؛ آیه مي فرماید انذار منذر حجیت دارد – سوا افاد العلم یا لم يفيد العلم – از راه حجیت انذار ما مي توانیم به مدعا برسیم. فرمایش مرحوم اصفهانی هم در وجه اول و هم در وجه دوم مبتنی است بر این که متعلق حذر و تحذر عقاب اخروي باشد، لعلهم يحذرون يعني يحذرون از عقاب اخروي؛ آن وقت طبق این بیان هم وجه اول درست است (قاعده قبح عقاب بلا بیان) و

هم وجه دوم طبق این بیان. اما اگر کسی حرف مرحوم آخوند را بزند، مرحوم آخوند فرمودند این «لعلهم یحذرون» احتمال دارد که مراد از حذر، حذر از فوت مصلحت یا وقوع در مفسده باشد؛ مرحوم آخوند که کلامشان را قبلاً بیان کردیم، فرمودند: يك احتمال وجود دارد ما در اینجا حذر از اینکه يك مصلحتی از دستتان می رود، اگر نماز نخوانید يك مصلحتی از دست تان می رود و از این بترسید. اگر شراب بخورید در يك مفسده ي واقع می شوید و از این بترسید، اصلاً کاری به عقاب اخروی ندارد. اگر این را بگوییم، بیان اول و دوم مرحوم اصفهانی کاملاً ساقط می شود. اما حالا اگر بپرسید که واقعا در میان این دو احتمال کدام یکی از این دو احتمال درست هست! در جواب عرض می کنیم احتمال مرحوم اصفهانی درست است؛ اصلاً وقتی آیه شریفه در آن زمان نازل شده است، مردم از «لعلهم یحذرون» چه می فهمیدند؟

آیا در میان مردم کسی بود که در ذهنش خطور کند «لعلهم یحذرون» یعنی مصلحت را از دست می دهیم، یا در مفسده واقع می شویم، یا نه آنچه که متبادر به ذهن مردم هست حذر از عقاب است. روشن است که متبادر همین است، «لعلهم یحذرون» یعنی بترسند از مخالفت با خدا و بترسند از عقاب خداوند. بنابر این، این اشکال را نمی شود بر مرحوم اصفهانی وارد کرد. اما اشکال دوم بر مرحوم اصفهانی این است: اینکه شما می گوید اگر انذار منذر حجت نباشد، قاعده قبح عقاب بلا بیان جریان دارد، نه اینجا جای قاعده قبح عقاب بلا بیان نیست؛ اینجا از باب این است که شبهه شبهه ي حکمیه قبل الفحص است و احتیاط درش لازم است. توضیح مطلب: الان يك منذري می آید می گوید این واجب است، يك منذري به شما می گوید این عمل واجب است، اگر گفتیم این انذار حجت دیگر بحثی ندارد که می شود مدعی مرحوم اصفهانی. حالا اگر گفتیم این انذار حجیت ندارد آیا می توانیم بلا فاصله بگوییم انذار حجیت ندارد شما این عمل را انجام بده! یعنی مخالفت کن با حرف منذر، منذر اگر گفته واجب است شما ترك كن و اگر گفته حرام است انجام بده، می توانی انجام بدهی چون می گوییم انذار حجیت ندارد. مستشکل می گوید اینجا جای قاعده قبح عقاب بلا بیان نیست که شما مرحوم اصفهانی می گوید؛ شما اصفهانی فرمودید اگر گفتیم انذار حجیت ندارد پس ما بیان نداریم، اگر بیانی نداریم پس بر مخالفت انذار عقاب نیست چون اگر عقاب بشود، می شود عقاب بلا بیان! مستشکل می گوید این از موارد شبهه ي حکمیه ي قبل الفحص است و شبهه ي حکمیه قبل الفحص به اتفاق همه اصولیین درش احتیاط لازم است.

الان اگر يك فقیهی احتمال داد يك عملی حرام باشد، این باید برود فحص بکند، ببیند آیا بیانی پیدا می کند یا بیانی پیدا نمی کند! اگر بعد از فحص بیان پیدا نکرد آن وقت می تواند برائت جاری کند اما تا قبل الفحص باید احتیاط جاری کند. این اشکال بر مرحوم اصفهانی شده است، به نظر ما این اشکال هم اشکال واردی نیست؛ همانطوری که در اشکال اول از مرحوم اصفهانی دفاع کردیم، این اشکال دوم هم اشکال واردی نیست؛ برای اینکه مفروض کلام این است که غیر از این انذار منذر یقین داریم چیز دیگری وجود ندارد. مسئله ي فحص در شبهات حکمیه در جایی است که احتمال بدهیم بعد از فحص به يك بیانی برسیم. اما الان فرض کلام مرحوم اصفهانی این است که يك منذري آمده گفته هذا واجب. و ما فرض گرفتیم که این انذار حجیت ندارد، اگر این باشد دیگر یقین داریم غیر از این انذار منذر هم هیچ چیز دیگری وجود ندارد، اینجا مکلف می تواند مخالفت کند و اگر مخالفت هم کرد عقابی وجود ندارد چون می شود عقاب بلا بیان. فرض اصلاً در جایی است که غیر از این انذار منذر چیز دیگری در اینجا وجود ندارد. این دو اشکالی بود که بر مرحوم اصفهانی وارد شده است و عرض کردیم هیچ کدام یکی از این دو اشکال بر مرحوم اصفهانی وارد نیست.

تحقیق حضرت استاد:

ما در همین جا می خواهیم تحقیق خودم را در مطلب عرض کنم (چون در آیه شریفه يك نکته ي دیگری را هم برخی از بزرگان فرموده است که آن را هم بیان می کنیم). می خواهیم از آیه شریفه حجیت خبر واحد را استفاده کنیم؛ تا حالا بحث های که قدما می کردند این بود که بیاییم از آیه وجوب حذر را استفاده کنیم؛ شما دیدید مرحوم آخوند در کفایه سه راه به تبع مرحوم

شیخ ذکر کردند که از آیه وجوب ترسیدن را درست کنیم بعد بگوییم وجوب ترسیدن در جایی است که خبر حجیت داشته باشد؛ اگر حجیت نداشته باشد، خبر معتبر نباشد ترسیدن معنا ندارد. آنهایی که می خواهند از آیه شریفه حجیت خبر واحد را استفاده کنند عمدتاً روی وجوب تحذر تکیه کردند و تحذر را هم می گویند تحذر از عقاب است و تحذر را هم می گویند تحذر نفسانی نیست، یک خوف قلبی باشد، تحذر عملی خارجی است. تحذر عملی خارجی این است اگر منذر گفته نماز بخوانید، نماز بخوانید شما، اگر گفته خمر حرام است ترك كن شرب خمر را. مرحوم نائینی و مرحوم آقای خوئی (قدسرها) از کسانی هستند که محکم می فرمایند این آیه شریفه دلالت بر حجیت خبر واحد دارد. و در این معنا مشترك هستند که باید از آیه وجوب حذر را استفاده کنیم، وجوب تحذر هم مراد تحذر از عقاب است، مراد تحذر خوف قلبی فقط هم نیست، تحذر عملی خارجی است.

راهی را که ما می خواهیم طی کنیم در این راه فرقی نمی کند که «لعل» اصلاً به چه معنای باشد! «لعل» آیا بمعنای مشهور است که مجازاً در محبوبیت استعمال شده است؛ بمعنای احتمال است که مرحوم اصفهانی فرمودند. یحذرون را از وجوب استفاده کنیم، وجوب استفاده نشود، یحذرون مراد حذر از عقاب باشد، یا مراد حذر آن معنای که آخوند کرده که وقوع در مفسده و فوت مصلحت باشد. و همچنین این راهی را که ما می خواهیم الان بیان کنیم فرقی نمیکند که بگوییم یحذرون فایده منحصره انذار است، چون برخی گفته اند که اگر آیه بخواهد دلالت بر حجیت خبر واحد کند باید بگوییم این یحذرون فایده منحصره است. به هیچکدام اینها در این راهی که ما می خواهیم بیان کنیم نیازی نداریم؛ ما می خواهیم این را عرض کنیم: اگر در آیه «لعلهم یحذرون» نبود اصلاً، آیه می فرمود: «فلو لا نفر من كل فرقه منهم طایفه ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم» همین مقدار؛ اگر این «لعلهم یحذرون» اصلاً نبود در آیه شریفه که این همه دعوای و احتمالات و بحثها بیشتر روی همین «لعلهم یحذرون» است. ما می گوییم خود «لینذروا» آیا آیه می فرماید که وقتی تفقه کردید بروید انذار کنید؟ خود لینذروا اطلاق دارد، آیه می گوید شما باید انذار کنید می خواهد انذارتان مفید علم باشد یا نباشد؛ شما انذار کنید ما حجیت یحذروا را از خود آیه می توانیم استفاده کنیم. مرحوم اصفهانی حجیت یحذروا را از احتمال تحذر یا از معنای تخویف استفاده کردند ما عرض می کنیم نیازی به این بیان ها نیست؛ آیه می گوید «لینذروا» یعنی شما اگر تفقه کردید باید انذار کنید.

پس انذار مأموریه و غایت برای تفقه است، نفر واجب است تفقه واجب است، انذار واجب است از وجوب انذار حجیت انذار را استفاده می کنیم، آن هم حجیت انذار مطلقاً؛ می خواهد افاده علم کند می خواهد نکند. کجای آیه دارد «لینذروا» آنجایی که قول شما برای قوم شما مفید علم باشد، ندارد این را؛ آیه می فرماید: «لینذروا». پس به نظر ما بهترین، ساده ترین و روشن ترین بیان و از آیه هم این مدعا به خوبی استفاده میشود که خبر واحد حجیت دارد. ما اگر از آیه نبا نتوانستیم استفاده کنیم حجیت خبر واحد را از این آیه شریفه حجیت خبر واحد را استفاده می کنیم. این عرضی را که ما داریم یک مقداری در آن تامل فرمایید، یک بیان دیگری هم که آن هم می آید روی «لعلهم یحذرون» فایده منحصر باشد، یا نباشد آقایان فکر کنند چون در کلمات نیست این مطلب و قبل از اینکه من اصلاً نظریه مرحوم اصفهانی را هم ببینم به این مطلب رسیده بودم و فکر می کردم مرحوم اصفهانی هم ابتدا می خواهند همین را بفرمایند اما دیدم حجیت انذار را می خواهند از «لعلهم یحذرون» استفاده کنند ما در این استدلال مان نیازی به «لعلهم یحذرون» اصلاً نداریم از خود «لینذروا» تمام مطلب را استفاده می کنیم.